



علی مزرعوی

خبرنگار گروه سیاست

پس از اعلام تعرفه‌های سسنگین ترامپ بر واردات از کشورهای مختلف که رژیم صهیونیستی را نیز شامل ششد، بنیامین نتانیاهو در سفری ناگهانی به ایالات متحده رفت تا ضمن مذاکره برای معافیت از افزایش تعرفه‌ها تصویری سیاسی از حمایت دولت جدید آمریکا از اسرائیل بسازد؛ اما خروجی با آنچه نخست‌وزیر اسرائیل برای آن برنامه‌ریزی کرده بود کاملاً متفاوت بود. ترامپ پس از آنکه در چند مرتبه از جمله در مورد لزوم همکاری با ترکیه و نیز عدم معافیت‌های تعرفه‌ای مواضعی متضاد با خواست نتانیاهو گرفت نهایتاً با گفتن این جمله که آمریکا در حال مذاکره با ایران است آب‌پاکی را روی دستان نتانیاهو ریخت. البته اظهارات جنجالی ترامپ در این دیدار مبنی بر مذاکرات مستقیم با ایران نشان داد که رئیس جمهور آمریکا از تداوم جنگ روانی علیه ایران نیز اجتناب نکرد. جنگی که از همان ابتدای دولت جدید ترامپ توسط شخص او کلید خورده تا به این ترتیب ایران برای تن دادن به یک مذاکره فراتر از ابعاد پرونده هسته‌ای تن دهد. این در حالی است که مقامات ایرانی از جمله عباس عراقچی، وزیر امور خارجه بلافاصله این ادعا را رد کرده و بر تداوم مذاکرات غیرمستقیم از طریق کانال عمان تأکید کردند. تأکید بر کانال عمان به این معنی است که خواست آمریکا برای آغاز مذاکرات از مسیر امارات از جانب تهران پذیرفته نشده تا این پیام سامع شود که مذاکرات جدید تداوم همان مذاکراتی است که در دولت سیزدهم پیگیری می‌شد و بایدن به دلیل عدم توسعه آن مذاکرات به مباحث منطقه‌ای از تداوم آن سر باز زد.

### نتانیاهو گلدان تزئینی شد

سفر نتانیاهو به واشنگتن که تنها دو ماه پس از دیدار قبلی او با ترامپ در فوریه ۲۰۲۵ انجام شد، نشان‌دهنده فوریت و اهمیت موضوعاتی است که در دستور کار قرار داشته است. این سفر در شرایطی صورت گرفت که سیاست تعرفه‌ای جدید، که شامل اعمال تعرفه ۱۷ درصدی بر کالاهای اسرائیلی نیز می‌شد، تنش‌هایی را در روابط دو جانبه ایجاد کرده بود. نتانیاهو که پیش تر اعلام کرده بود قصد دارد کسری تجاری اسرائیل با آمریکا را برطرف کند، به نظر می‌رسد با هدف مذاکره برای کاهش یا حذف این تعرفه‌ها راهی واشنگتن شده بود. با این حال، فضای حاکم بر دیدار که حتی برخی رسانه‌ها و مقامات اسرائیلی نیز آن را «نامیدکننده» توصیف کردند نشان داد که نتانیاهو در دستیابی به خواسته‌های خود چندان موفق نبوده است.

علاوه بر موضوع تعرفه‌ها مسائل ژئوپلیتیکی مانند جنگ غزه و روابط با ترکیه نیز در کانون توجه این دیدار قرار داشت. این سفر در حالی انجام شد که اسرائیل به‌تازگی عملیات نظامی خود در غزه را گسترش داده و با فشارهای بین‌المللی، از جمله حکم بازداشت نتانیاهو از سوی دیوان بین‌المللی کیفری مواجه است. از سوی دیگر، اعلام غیرمنتظره ترامپ درباره مذاکرات با ایران، که به نظر می‌رسد اسرائیل از آن بی‌اطلاع بوده، شوک دیگری به هیئت اسرائیلی وارد کرد و گمانه‌زنی‌ها درباره اختلافات بین نتانیاهو و دولت ترامپ را تشدید کرد.

درموضوع تعرفه‌ها ترامپ صراحتاً اعلام کرد آمریکا هر ینه‌های سنگینی برای حمایت از متحدان خود از جمله اسرائیل، متحمل شده‌و این تعرفه‌ها باید حفظ یا به‌شکلی جبران شوند. این اظهارات، که به‌نوعی رددرخواست‌های احتمالی نتانیاهو بود نشان‌دهنده

## جنگ روانی ترامپ افکار عمومی مردم ایران را هدف گرفته است

# عملیات‌های فیک ترامپ



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

«دیپلماسی نمایشی» «مهم‌ترین اهرمی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا با خودش به کاخ سفید آورده است. از نشست‌های رودررو با نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین گرفته تا توییت‌ها و مصاحبه‌های بی‌وقفه علیه اشخاص و کشورهای مختلف، ازجمله ایران. آن چیزی که در باره این شخصیت متناقض مشخص است، پیگیری و تشدید رویکردی تهاجمی و نمایشی است توسط او که به‌وضوح بخشی از یک عملیات روانی گسترده علیه مردم ایران را به تصویر می‌کشد. ترامپ از زمان بازگشتش به قدرت بارها ایران را به اعمال فشار حداکثری، بمباران و روزهای سخت تهدید کرده؛ تهدیدهایی که نه تنها با هدف فشار بر فضای حاکمیتی ایران، بلکه برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم طراح شده‌اند. این استراتژی که ترکیبی از تهدیدهای آشکار، مدیریت فضای رسانه‌ای و بمباران تبلیغاتی است، بیشتر از هر چیزی نشان‌دهنده تلاشی برای ایجاد ترس و سردرگمی روانی در میان مردم است.

### ترامپ‌سیسم و تقویت پارادایم رسانه‌ای

ترامپ از اول بهمن سال گذشته بارها از پلتفرم‌هایی مانند X برای انتشار پیام‌های تهدیدآمیز علیه بسیاری از کشورها از جمله ایران استفاده کرده است. به عنوان مثال، در اسفند ماهی که گذشت، او در پستی اعلام کرد اگر ایران به توافق هسته‌ای مورد نظر آمریکا تن ندهد، با بمبارانی مواجه خواهد شد که «تاکتون نظیرش را ندیده است.» این تهدیدات که با لحنی تند و نمایشی پرتاب شدند، به سرعت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها بازتاب یافتند و موجی از واکنش را در میان کاربران ایرانی ایجاد کردند. چند هفته بعد هم در اوایل فروردین با اشاره به برنامه هسته‌ای ایران و تهدید به نابودی کامل کشور در صورت هرگونه اقدام تلافی‌جو یانه، این پیام را تکرار کرد. این تداوم در تهدیدها، همراه با استفاده از عبارات تند، نشان‌دهنده تلاش او برای تسلط بر فضای خبری و شکل‌دهی به ادراک عمومی است.

رویکرد رسانه‌ای ترامپ فقط به تهدید نظامی محدود نمی‌شود. او هم‌زمان با تشدید فشارهای اقتصادی، ازجمله امضای دستور افزایش تحریم‌ها در اسفند ۱۴۰۳ سعی کرد با برجسته‌سازی این اقدامات در مصاحبه‌هایش، حسن‌نامیدی را در میان مردم ایران تقویت کند. او در چندین سخنرانی از جمله در پاسخ به سوآلی از یک خبرنگار در روز گذشته اعلام کرد: «ایران به زودی روزهای سختی را تجربه خواهد کرد.» او پیش تر کشورهایی که

## با قبول چهارچوب مدنظر تهران برای مذاکره از کانال سنتی عمان و برخورد قهری با نتانیاهو، آمریکا ابتکارعمل را به ایران واگذار کرد

# فرصت شروع از موضع بالا

### دست ترامپ برای اقدام نظامی بسته است

مواجهه ترامپ با نتانیاهو دو سناریوی اصلی را پیش رو قرار می‌دهد. سناریوی اول، که کمتر محتمل به نظر می‌رسد وجود نوعی تقسیم کار میان آمریکا و اسرائیل است که در آن نتانیاهو به عنوان حامی سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر عمل کرده و نقش میانجی را ایفا کند. با این حال، فضای منفی دیدار و عدم هماهنگی آشکار میان دو طرف، این احتمال را تضعیف می‌کند. سناریوی دوم که محتمل‌تر است، وجود اختلاف‌نظر میان ترامپ و نتانیاهوست. این اختلاف می‌تواند ناشی از اولویت‌های متفاوت باشد. ترامپ بر مسائل اقتصادی و داخلی آمریکا تمرکز دارد، درحالی‌که نتانیاهو به دنبال جلب حمایت قاطع در برابر ایران و رقبای منطقه‌ای است. در موضوع ایران، تصمیم‌گیری نهایی در دستان ترامپ است که به نظر می‌رسد قصد دارد به‌طور مستقیم خودش موضوع را کنترل کرده تا تجربه شکست خورده سپردن مسئله ایران به سیاستمداران رادیکال تکرار نشسود. او که پیش تر ایران را به حمله نظامی تهدید کرده بود اکنون با فشارهای داخلی ناشی از سیاست تعرفه‌ها مواجه شده است. این فشارها ممکن است دمت او را در میدان‌های نظامی خارجی محدود کند و او را به سمت استفاده از ابزارهای روانی و دیپلماتیک سوق دهد. با این حال، اگر مذاکرات غیرمستقیم با ایران به نتیجه نرسد احتمال تشدید تنش‌ها و حتی اقدام نظامی محدود همچنان وجود دارد.

### ادعای لیبی سازی ایران کارکرد عملیاتی ندارد

اظهارات نتانیاهو در مورد برچیدن برنامه هسته‌ای ایران در دیدار دیشب تلاشی برای شکل‌دهی به ادراک عمومی و سیاسی درباره توافق احتمالی با ایران بود. او با اشاره به مدل لیبی (که در ۲۰۰۳ برنامه هسته‌ای خود را کنار گذاشت)، قصد داشت القا کند که هر توافقی با ایران باید به برچیدن کامل برنامه هسته‌ای این کشور منجر شود. تضعیف توافق پیش از شکل‌گیری و جلوگیری از تبدیل شدن مذاکره به اهرم تبلیغاتی ضد نتانیاهو در فضای سیاسی اسرائیل دو هدف اصلی این چهارچوب‌بندی هستند. نتانیاهو می‌خواهد ایران را بازنده نشان دهد و افکار عمومی در آمریکا و اسرائیل را تحت تأثیر قرار دهد، اما این راهبرد به لحاظ عملیاتی کارکردی نخواهد داشت؛ چرا که برنامه هسته‌ای ایران با لیبی تفاوت‌های بنیادین دارد. لیبی برنامه‌ای محدود و وابسته داشت که به راحتی برچیده شد، درحالی‌که ایران صنعتی پیشرفته و خودکفا و طبق برخی گزارش‌ها با بیش از ۵ تن اورانیوم غنی شده دارد. ایران می‌تواند مواد غنی شده را بازتولید کند، امری که برای لیبی غیرممکن بود. تجربه فروپاشی لیبی نیز ایران را به حفظ برنامه هسته‌ای‌اش مصمم‌تر کرده است. مقایسه نتانیاهو از نظر فنی نادرست و بیشتر سیاسی است. او نگران قدرت منطقه‌ای ایران است و می‌خواهد هر توافقی را به نفع اسرائیل تضعیف کند. ایران اما باتکیه بر مذاکرات غیرمستقیم و رد مدل لیبی، تحت فشار این چهارچوب‌سازی قرار نمی‌گیرد و بر حفظ حق غنی‌سازی خود تأکید دارد.

### ابتکار عمل رسانه‌ای را به ترامپ ندهیم

یکی از نکات برجسته این تحولات ضعف ایران در حوزه رسانه‌ای است. درحالی‌که ترامپ از اظهارات خود برای عملیات روانی و تأثیرگذاری بر بازارها و افکار عمومی استفاده می‌کند، ایران عمدتاً تئوریکردواکنشی اکتفا کرده است. این انفعال، مرجعیت رسانه‌ای را به طرف مقابل واگذار می‌کند. به‌عنوان مثال، ایران می‌توانست پیش از سفر نتانیاهو، از طریق یک رسانه منطقه‌ای اعلام کند که مذاکره مستقیم را نمی‌پذیرد و بدین ترتیب ابتکار عمل را دست گیرد. فقدان چنین برنامه‌ای ایران را به بازیگری ثانویه در فضای رسانه‌ای تبدیل کرده و از تأثیرگذاری فعالانه آن کاسته است.



ادعای مذاکره مستقیم از سوی ترامپ بخشی از یک عملیات روانی است که با دو هدف طراحی شده است؛ اول، بهبود موقعیت سیاسی داخلی او در آمریکا که به دلیل افزایش تعرفه‌ها و واکنش‌های اجتماعی و اقتصادی منفی تحت فشار قرار دارد؛ دوم، اعمال فشار روانی بر ایران و متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله اسرائیل. شواهد این عملیات روانی را می‌توان در نوسانات سریع بازار ارز و طلا در ایران مشاهده کرد.

ایران در واکنش به این تحولات بار دیگر بر راهبرد خود مبنی بر مذاکرات غیرمستقیم تأکید کرد. تغییر واسطه از امارات به عمان و تأکید بر غیرمستقیم بودن مذاکرات دو اقدام کلیدی ایران برای نشان دادن مقاومت در برابر فشارهای ترامپ بود. تجربه مذاکرات عمان در سال ۹۱، که در آن نمایندگان ایران و آمریکا از طریق واسطه عمانی پیام‌ها را رد و بدل می‌کردند، به عنوان الگویی موفق برای این رویکرد مطرح است. این روش، اگر چه کند و محدود بود به ایران اجازه داد بدون ورود به مذاکره مستقیم، که از نظر سیاسی حساسیت‌زاست به سمت توافق حرکت کند. چنین حساسیتی به‌ویژه پس از رفتار تحقیرآمیزی که ترامپ در مقابل دوربین رسانه‌ها با زلنسکی از خود نشان داد کاملاً منطقی به نظر می‌رسد.

اظهارات مجید شاکری، تحلیلگر اقتصادی نیز این راهبرد را تأیید می‌کند. او معتقد است که خرد جمهوری اسلامی در جلوگیری از تبدیل امارات به میانجی و عدم تمایل به نقش آفرینی روسیه، آمریکا را ناچار به باگشت به فرمت مذاکرات عمان کرده است. به گفته شاکری، این همان فرمتی است که تا پائیز ۱۴۰۳ ادامه داشت و آمریکا‌ان را یک جانبه ترک کرده بود. رضا زبیب، دیپلمات ایرانی نیز با تأکید بر پایدنی ایران به برجام و ناکامی آمریکا در تحمیل شرایط خود در دوره بایدن از سرگیری مذاکره غیرمستقیم از کانال عمان را پاسخی به نامه اخیر ترامپ می‌داند که ترکیبی از تهدید و پیشنهاد مذاکره بود.



تأثیر این بمباران تبلیغاتی بر افکار عمومی ایران قابل توجه است. اظهارات ترامپ، به‌ویژه وقتی با تهدیدهای نظامی یا اقتصادی همراه می‌شود، اغلب در شبکه‌های اجتماعی داخلی بازتاب می‌یابد و به بحث‌هایی داغ میان کاربران منجر می‌شود. برای نمونه، پس از تهدید بمباران ایران، برخی کاربران ایرانی در X از نگرانی‌های خود درباره آینده نوشتند، درحالی‌که برخی دیگر این تهدیدها را صرفاً بولف خواندند.

از طرف دیگر نامه‌ای که ترامپ در مصاحبه با فاکس نیزز ادعا کرده بود برای رهبر انقلاب ارسال کرده، از همان ابتدا کش‌مکش‌هایی در فضای داخلی کشور به وجود آورد. این دوقطبی‌سازی، که خود نتیجه سیاست قطب‌بندی‌کننده ترامپ است، نشان می‌دهد او نه تنها در پی فشار بر دولت ایران، بلکه در تلاش برای ایجاد شکاف و سردرگمی در میان مردم است. استراتژی‌ای که به او اجازه می‌دهد تا با کمترین هزینه عملی، بیشترین تأثیر روانی را بر جامعه هدف بگذارد.

### فشار رسانه‌ای؛ فرصت یا تهدید؟

جنگ رسانه‌ای ترامپ علیه افکار عمومی مردم ایران به موضوع مذاکرات دوجانبه ایالات متحده با ایران رسید. او در سخنانی اعلام کرد مذاکرات با ایران به صورت مستقیم از روز شنبه آغاز خواهد شد؛ اظهاراتی که با توجه

به تهدیدهای پیشین او، حتی فضای رسانه‌ای بین‌الملل را تکان داد. این موضع او در حالی بود که عباس عراقچی اعلام کرد مذاکرات غیرمستقیم خواهد بود. حسین دلیریان، سخنگوی مرکز ملی فضای مجازی هم در شبکه اجتماعی ایکس با انتشار خبر مذاکرات مستقیم توسط رویترز، نوشت: «مذاکرات مستقیم مصداق فیک‌نیز است.» ادعاهای متناقض ترامپ نیز درواقع بخشی از همان بازی روانی است. او با ترکیب تهدید و پیشنهاد مذاکره، سعی دارد ایران را در موقعیتی قرار دهد که هر واکنشی از سوی آن، به نفع روایت رسانه‌ای او تمام شود. این تاکتیک که در گذشته کمتر در دیپلماسی دیده می‌شد، نشان‌دهنده تغییر پارادایم از مذاکرات محرمانه به سمست نمایش عمومی است؛ همان استراتژی که در نشست تحقیرآمیز ترامپ و زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین به‌وضوح دیده شد. هرچند این رویکرد، تهدیدآمیز به نظر می‌رسد اما به نوعی فرصتی در اختیار دستگاه دیپلماسی کشور قرار می‌دهد که اهرم‌های رسانه‌ای را تقویت کرده و توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند.

در این میان او با استفاده از اهرم‌های اقتصادی، مانند تأثیرگذاری بر نرخ ارز یا بازارهای داخلی ایران، تلاش می‌کند تا فشار روانی را به زندگی روزمره مردم منتقل کند. پس از اعلام تحریم‌های جدید در هفته‌های اخیر، گزارش‌هایی از افزایش نرخ دلار در بازارهای ایران منتشر شد که برخی از کارشناسان آن را نتیجه مستقیم جنجال‌سازی‌های رسانه‌ای او دانستند. این تأثیرگذاری غیرمستقیم که از طریق توییت‌ها و اظهارات او تقویت می‌شود، بخشی از استراتژی رئیس‌جمهور آمریکا برای تضعیف روحیه عمومی و ایجاد حس ناامنی است.

### مقابل فضا سازی بايستيد

عملیات روانی ترامپ علیه مردم ایران که در بازه ابتدای بهمن ۱۴۰۳ تا به امروز به اوج خود رسید، ترکیبی از تهدید، نمایش و اعمال سلطه بر فضای رسانه‌هایی است که مدیران بسیاری از آن‌ها در جشن تحلیف او حضور داشتند و چندین میلیارد دلار هم تقدیمش کردند. او با این رویکرد، نه تنها دستگاه دیپلماسی ایران را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه افکار عمومی را نیز به میدان نبرد خود تبدیل کرده است. این وضعیت، ایران را به بازیگری در استراتژی‌های رسانه‌ای و دیپلماتیک بین‌الملزم می‌کند؛ زیرا در جهانی که ارتباطات لحظه‌ای و شفافیت اجباری حرف اول را می‌زند، سکوت یا واکنش‌های سنتی نمی‌تواند پاسخگوی بازیگری باشد که با تویت و مصاحبه و فضا‌سازی، هم تهدید می‌کند و هم روایت می‌سازد. ادامه این وضعیت آن هم در شرایطی که مذاکرات به زودی کلید خواهد خورد، وجود ضعف در دیپلماسی رسانه‌ای را بیش از پیش نمایان خواهد کرد.